

مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن اسلامی از نظر مقام معظم

رهبری علیه السلام

محدثه کاشفی^۱، خدیجه حسین زاده باردئی^۲

چکیده

تمدن اسلامی با رشد چشم‌گیری مسیر خود را طی کرده است، اما برای حفظ آن شاخصه‌هایی تعیین شده تا برای توسعه بیشتر آن، اقدام درست و اساسی صورت گیرد. در این راستا مقام معظم رهبری علیه السلام برای توسعه تمدن اسلامی نظریه جدید تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده که در آن موارد مختلف تمدن اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از مهمترین مسائل، شناختن شاخصه و خط سیر عملکرد تمدن اسلامی است. مقاله پیش‌رو سعی دارد به روش توصیفی-تحلیلی شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه ایشان را براساس آیات مستندسازی کند. به‌طور کلی ترقی تمدن نوین اسلامی به همت همه جامعه نیاز دارد و در سایه ایمان به خدا، کار و تلاش مستمر، استقرار عدالت و اقتصاد سالم به وجود می‌آید و آیات مختلفی نیز به این امور پرداخته است.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، شاخصه‌ها، خدامحوری، عدالت، اقتصاد

سالم، مقام معظم رهبری علیه السلام. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

-
۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از کشور افغانستان، مجتمع آموزشی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسؤل).
 ۲. دانش‌آموخته سطح چهار تفسیر تطبیقی، مدرس گروه علمی-تربیتی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

تمدن اسلام با بعثت رسول خدا ﷺ و هجرت او به مدینه شکل گرفت و مسلمانان با اتکا به آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر و ائمه علیهم‌السلام آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رساندند. در این مسیر، تمدن اسلام فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. این فراز و نشیب‌ها به استحکام تمدن اسلامی از جوانب زیادی کمک کرده است تا بازبینی شده و شاخصه‌ها و راهکارهای موجود در قرآن و احادیث و بیانات پیامبران و ائمه معصوم علیهم‌السلام به کار گرفته شود. به دلیل اهمیت تاریخ تمدن اسلامی به‌ویژه بیداری اسلامی که در کشورهای مسلمان به وجود آمده، این نوع پژوهش‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند.

۲. پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در مورد تمدن اسلامی نوشته شده است تا به جهانیان معرفی شود از جمله:

- تاریخ ابن خلدون نوشته ابن خلدون که بازتاب دیدگاه‌های فلسفی-تاریخی و تحلیل‌های اجتماعی وی از حوادث تاریخی است؛

- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی تألیف جان احمدی که تمدن اسلامی و نهضت‌های علمی تمدن اسلامی را مورد مطالعه قرار داده و نقاط قوت و ضعف تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب بررسی کرده است؛

- تاریخ طبری که به‌طور کلی تاریخ جهان و تاریخ اسلام را مورد مطالعه قرار داده است. ایشان تمدن اسلامی را بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، زبانی و قومی به‌طور کلی بیان می‌کند؛

- الکامل فی تاریخ که مجموعه کاملی از تاریخ آغاز بشریت و سیر زمان تاریخی است و بحث

عمده آن درباره تاریخ اسلام و فراز و نشیب‌های آن است؛

- اکبری، مرتضی؛ رضایی، فریدون (پاییز و زمستان ۱۳۹۳)، واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام، نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. تاکنون مقاله‌ای در مورد مستندات قرآنی شاخصه‌های تمدن اسلامی از نظر مقام معظم رهبری علیه السلام یافت نشد. از این رو ضروری است مقاله‌ای با این موضوع نگاشته شود.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. تمدن

این واژه در فرهنگ‌های فارسی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است که به برخی از جامع‌ترین و مهمترین آنها اشاره می‌شود. شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگیر شدن یا بر همکاری مردم یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و غیره (معین، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵) اطلاق می‌شود. همچنین در فرهنگ عمید این کلمه در معانی مانند خوی شهری‌گزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ۶۱۵/۱). در اصطلاح تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و همجیه و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت (عمید، ۱۳۶۳، ۶۱۵/۱) گفته می‌شود. ابن خلدون برای اینکه معنای اصطلاحی از این واژه ارائه کند ابتدا می‌گوید: «مؤلفه‌های مدنیت، جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش، هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت است». وی درباره مدنیت می‌گوید: «اجتماع نوع انسان ضروری است. به بیان حکیمان انسان دارای سرشت مدنی است؛ یعنی ناچار است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت گویند» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ۷۱/۱). تمدن عبارت است از: برقراری نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را متنفی ساخته و مسابقه در مسیر و رشد و کمال را قائم مقام آنها بنماید به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعالیت رسیدن استعداد‌های سازنده آنها باشد (جعفری، ۱۳۷۳، ۲۳۳/۶).

۳-۱-۱. شاخصه‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی بیانگر همه‌جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی، تمدن دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. تمدن اسلامی همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دارد و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات و اصول دینی است. (جان احمدی، ۱۳۸۸، ۵۱-۵۲) مقام معظم رهبری علیه السلام تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

۳-۲. شاخصه

واژه شاخصه در لغت به معنای برآمده، مرتفع، برجسته، ممتاز، نمودار، عددی که میانگین ارزش مجموعه‌ای از ارقام مرتبط با یکدیگر را بر حسب درصدی از همان میانگین در فاصله زمانی دو تاریخ بیان کند، آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۳۹۶۲/۹) همچنین در فرهنگ عمید این کلمه به معنای مرد گشوده چشم و بینا، کسی که میان مردم برگزیده و ممتاز باشد آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ۱/۱۲۷۳). شاخص عبارت از کمیت است که نماینده چند متغیر همگون بوده و وسیله‌ای برای اندازه‌گیری و مقایسه پدیده‌هایی است که ماهیت و خاصیت مشخص دارد (جان احمدی، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۲۹). در نتیجه مراد از شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و وجود خود آنان تعبیه کرده است (بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، ۱۳۹۲/۲/۹).

۳-۲-۱. شاخصه‌های تمدن اسلامی و مستندات قرآنی آن

شاخصه‌های تمدن اسلامی از نگاه رهبری عبارت است از: محوریت قوانین قرآن، مجاهدت، حکومت مردمی، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت و اقتصاد سالم.

اول) اصل بودن قوانین قرآن و مستندات قرآنی آن

مقام معظم رهبری علیه السلام می‌گوید که قرآن در تمدن اسلامی جایگاه مهمی دارد. به اعتقاد مقام معظم رهبری علیه السلام شکل‌گیری تمدن اسلامی باید با توجه به مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی و نه شیعه باشد؛ زیرا اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با اسلام را همین محوریت و اصل بودن قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند. (بیانات مقام معظم رهبر، ۱۳۹۰/۶/۲۶) قرآن کریم به‌عنوان آخرین کتاب قانون و وحی الهی بهترین روش هدایت به‌شمار می‌رود. در این مورد خداوند می‌فرماید: «هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ بگو این قرآن وسیله بینایی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند» (اعراف: ۲۰۳). همواره قرآن در همه زمان‌ها محور بوده و هیچ قانونی در ردیف قوانین الهی قرار نمی‌گیرد و به‌اندازه قرآن اعتبار ندارد.

دوم) خدامحوری و ایمان و مستندات قرآنی آن

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، تمدن نوین اسلامی در درجه اول به ایمان نیاز دارد. ایشان می‌گویند که جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم از آن است، ایمان نیاورند وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. مقام معظم رهبری علیه السلام نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند متعال و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کند و معتقد است یک نقطه اصلی وجود دارد و آن ایمان است. «ما باید به تعیین هدفی بپردازیم که به آن ایمان دست پیدا کنیم. ایشان معتقدند بدون ایمان، پیشرفت در این بخش میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آنچه که به آن ایمان داریم می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت و به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد، یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. براساس این ایمان، زندگی انتخاب خواهد شد» (خامنه‌ای، نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

پیامبر ﷺ در بیان منزلت و جایگاه ایمان در سفارشی به ابوذری می‌فرماید: «ای ابوذری هیچ چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از ایمان به او و خودداری از آنچه نهی می‌کند، نیست». (شیخ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۱) روشن است که خودداری از نواهی خداوند فقط در سایه ایمان به او مقدور است و در واقع از برکات ایمان به خداوند است. امام صادق علیه السلام نیز در این مورد می‌فرماید: «خداوند دنیا را هم به کسانی می‌دهد که دوستشان دارد و هم به کسانی که بر آنها غضبناک است، ولی ایمان را تنها به کسانی که دوستشان دارد، می‌دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲/۲۱۵). جایگاه ایمان در قلب‌های بندگان خالص خداست. این قلب‌ها با پاکیشان ایمان را درک می‌کنند و در نگهداری آن کوشا هستند. قرآن کریم در آیات متعددی ضرورت ایمان به خداوند را یادآور می‌شود از جمله می‌فرماید: «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید و خدا بر آنچه می‌کنید، آگاه است» (تغابن: ۸). در تفسیر آیه بالا بیان شده است: «به دلیل اینکه حرف فاء در اولش آمده است، می‌فرماید: «هنگامی که مسلم شد به طور یقین مبعوث خواهید شد و شما را به ریز و درشت آنچه کرده‌اید خبر خواهند داد، پس واجب است به خدا و رسولش ایمان آورید. همچنین به قرآن، همان نوری که بر رسولش نازل کرده، ایمان آورید؛ نور ساطعی که به سوی صراط مستقیم هدایت کرده و شرایع دین را بیان کرده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۹/۳۰۰). بنابراین، ضرورت ایمان اهمیت بسیاری دارد و در آیات دیگری نیز به آن پرداخته شده است (ر. ک.، اخلاص: ۱؛ بقره: ۱۳۶ و ۲۸۵؛ آل عمران: ۸۴؛ مائده: ۶۹ و ۱۱۱؛ نساء: ۱۳۶ و ۱۶۲).

اولین هدف بعثت پیامبران دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و ایمان به خداست که در آیه ذیل به آن اشاره شده است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید» (نحل: ۳۶). بنابراین، رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در همین مسیر بوده که پیامبر در طول بیست و سه سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف غافل نشد و همه تلاش‌ها و دلسوزی‌هایش برای خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. ایمان و خدامحوری چنان اهمیتی

دارد که در همه تمدن‌ها عامل اصلی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود. ایمان جایگاه بلندی در آیات دارد؛ زیرا سعادت و کمال انسان را در پی دارد. ایمان از یک سو موجب قرب معنوی است و از سوی دیگر مبدأ و شاه‌کلید همه صفات پسندیده نفسانی و نیکی‌های رفتاری است. بنابراین، مهمترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق جهان است که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی براساس آن شکل گیرد.

سوم) مجاهدت و مستندات قرآنی آن

پایه‌گذاری تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مداوم انسان‌ها به دست می‌آید. یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر و مداوم بشر بوده که در منابع تاریخی این تلاش مداوم مورد توجه قرار گرفته و از آن به عنوان مجاهدت یاد شده است. مجاهدت مردم تأثیر زیادی در رشد و دوام تمدن اسلامی داشته است. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد و در هیچ تمدنی به طور یکسان نمایان نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته است و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنان‌که مفسران واژه جهاد را در آیه ۵۲ سوره فرقان: «فَلَا تُطِيعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدُوْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند. پس حاصل مضمون آیه این است که مثل رسالت الهی در برطرف کردن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم به وسیله اظهار حق و اتمام حجت مثل آفتاب است در دلالت بر سایه گسترده و برداشتن آن سایه به امر خدا. «ای پیامبر، حال که تو حامل این رسالت شده‌ای و به سوی همه اهل قریه‌ها مبعوث شده‌ای، وجهی ندارد که از کافران اطاعت کنی؛ زیرا اطاعت آنان تباه‌گر این ناموس عمومی است که برای هدایت قرار داده‌ایم. پس در تبلیغ رسالت خود و اتمام حجت بر مردم به وسیله قرآن که مشتمل بر دعوت حقه است، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار گیر و جهاد بزرگی با آنان داشته باش» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۲۸/۱۵). بنابراین، قرآن برای جهاد و مجاهدت در مسیر گسترش دین، ایمان و خداباوری اهمیت فراوانی قرار داده است.

در بیان مقام معظم رهبری علیه السلام نیز واژه مجاهدت واژه راهبردی است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن اسلامی در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده است. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) معتقد است که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه ایشان مجاهدت با تلاش معمولی تفاوت داشته و اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق موضوع مهم اخلاص است. همچنین می‌فرماید: «اسلام در اولین ردیف فهرست کارهای واجب، مجاهدت در راه خدا را قرار می‌دهد». قرآن می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛ در راه خدا آنچنان که شایسته است، مجاهدت کنید». مجاهدت با جان و مال، مجاهدت درونی و بیرونی که چنین مجاهدت مقاومت در مقابل موانع طبیعی و غیرطبیعی است. در این خصوص قرآن فرموده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات: ۱۵). بنابراین، سال‌هاست که مستکبران و زورگویان عالم سعی کرده‌اند جهاد را از فرهنگ اسلامی خارج کرده و آن را بد جلوه دهند و مجاهده فی سبیل الله را از چشم‌ها بپندازند و هر جا گروهی که در راه خدا قیام کرده و برای خیر بشریت و آبادی زمین در پرتو احکام الهی حرکت کرده است، آن را متهم کرده‌اند (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۱۰/۲۸).

در همین مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «یرفع الله المجاهد فی سبيله علی غیره مائة درجه فی الجنة مابین کل درجتین کما بین السماء و الارض؛ خداوند مجاهد در راهش را بر غیر او صد درجه در بهشت رفعت و بلندی بخشیده که فاصله میان هر دو درجه مانند فاصله میان آسمان و زمین است». (نوری، ۱۴۰۸، ۲/۲۴۴) براساس آیات و روایات، کسانی که در راه خدا تلاش و مجاهدت می‌کنند مقام بلندی در پیشگاه خداوند دارند. مقام معظم رهبری علیه السلام در این رابطه می‌فرماید: «جهاد ابزاری برای تسریع در رسیدن به اهداف الهی است. در سنت الهی اراده انسان تعیین کننده است. به همین دلیل اسلام انسان‌ها را به مجاهدت دعوت می‌کند و

می‌فرماید: «و جاهد فی سبیل الله» یا «و جاهدوا فی الله حق جهاده»؛ یعنی همه ظرفیت خود را در راه جهاد مصرف کنید.

مقام معظم رهبری علیه السلام در مورد مجاهدت می‌فرماید: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند و از لحاظ مادی و معنوی آن را رشد دهد. براین اساس می‌فرماید که مجاهدت واژه استراتژیک در رشد و دوام تمدن اسلامی بوده که در زمینه‌های گوناگون همه را به مجاهدت در همه امور دعوت می‌کند». (بیانات رهبر، ۱۳۹۰/۴/۹) براساس آیه ۶۹ سوره عنکبوت، رسیدن به راه‌های موفقیت در زندگی مجاهدت در راه خداست؛ زیرا جهاد در راه خدا خودخواهی و خودپسندی را از انسان دور و روح مقاومت و استواری را در انسان زنده می‌کند. «همه عرصه‌های زندگی عرصه جهادی است و باید دانست رحمت الهی و کمک الهی بستگی به حرکت و کوشش انسان مؤمن یا به عمل صالح او دارد. به همین دلیل باید در میدان بود و مجاهدت را فراموش نکرد و باید دانست که جهاد در صحنه‌های مختلف وظیفه و ضامن ترقی و پیشرفت است. بنابراین، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشرفت اهداف متعالی می‌شوند و نباید در برابر دشمن عقب‌نشینی کرد» (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۵/۲۸).

در آیه ۷۷ سوره نساء در مورد کسانی که ایمانشان ضعیف است و در هنگام جهاد مسامحه کرده‌اند و در میدان حاضر نشدند، می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظَلَّمُونَ فِتِيلًا». آیه این‌گونه مسلمانان را ملامت می‌کند: «روزی که اسلام ضعیف بود، پیوسته چون و چرا می‌کردند که چرا به ما اجازه جهاد داده نمی‌شود، ولی هنگامی که اسلام قدرت گرفت و پایه‌های دین محکم شد و مسلمانان مأمور به جهاد و مجاهدت شدند، برخی از کفار ترسیدند و پا به میدان نبرد نگذاشتند و از جهاد سرباز زدند. بنابراین، در جهان امروز که میدان سازندگی، میدان آگاهی از حيله‌های دشمنان، میدان تلاش برای خودسازی علمی و اخلاقی است، مجاهدت همه اقشار لازم است».

چهارم) مردم سالاری و مستندات قرآنی آن

در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام مردم سالاری و حکومت مردمی مسئله مهمی است. ایشان در تبیین معنای آن می فرماید: «مردم سالاری یعنی، شریک شدن مردم در حکومت؛ یعنی، ایجاد نقش مردم در اداره و تشکیل حکومت و تعیین و تثبیت حاکم و دیگر اینکه حکومت در خدمت مردم باشد. در حکومت اسلامی منافع عامه مردم در نظر گرفته می شود نه اشخاص معین و یا قشر و طبقه خاص و اگر یک حکومتی ادعا کند مردمی است باید در آن حکومت مردم دارای نقش باشند، از جمله در تعیین حاکم. البته در حکومت اسلامی و دینی در یک مقطع مردم تأثیری در تعیین شخص حاکم ندارند بلکه خدایی است مانند دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم» (بیانات رهبر، ۱۳۸۹/۱۱/۲۸).

خداوند در این مورد می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی اجازه او جایی نمی روند؛ کسانی که از تو اجازه می گیرند». (نور: ۶۲) عبارت «الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» در توصیف مؤمنان با آنکه معنای کلمه (مؤمنین) روشن بود از این نظر است که بر ائصار آنان به حقیقت معنای ایمان دلالت کند. بنابراین، مؤمنان کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان حقیقی دارند و به وحدانیت خدا و رسالت رسولش باور و اعتقاد قلبی دارند. از این رو در ادامه فرمود: «و چون با او بر سر امری اجتماع و اتفاق می کنند، نمی روند تا اجازه بگیرند». مقصود از امر جامع امری است که خود به خود مردم را دور هم جمع می کند تا درباره آن بیندیشند و مشورت کنند و سپس تصمیم بگیرند مانند جنگ و مانند آن. براین اساس معنای آیه چنین است: «چون با رسول او بر سر امری از امور عمومی اجتماع می کنند به دنبال کار خود نرفته و از آن جناب روی نمی گردانند، مگر پس از آنکه کسب اجازه کرده باشند». در حقیقت ایمان از کسب اجازه جدا نمی شود؛ یعنی کسانی که ایمان واقعی دارند، از پیامبر اجازه می گیرند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵/۱۶۶). با توجه به تفسیر آیه می توان دریافت که حکومت مردم سالاری نیز قوانین و مقرراتی دارد و مشورت با حاکم از

پایه‌های آن است؛ یعنی حکومت مردم‌سالار توسط حاکم منتخب براساس یک تصمیم جمعی اداره می‌شود نه براساس خواست شخصی افراد.

مقام معظم رهبری علیه السلام اوج مردمی بودن حکومت را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقد است رأی مردم تعیین‌کننده است و این به علت کرامت انسان‌ها بوده که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنها واگذار شده است. (خامنه‌ای، نرم‌افزار حدیث ولایت، ۱۴/۸/۱۳۸۳) در همین مورد قرآن می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸). کلمه تشاور، مشاورت و مشورت به معنای استخراج رأی صحیح با مراجعه برخی به برخی دیگر است (راغب، ۱۴۱۲، ص ۴۷۰). انسان در مواقعی که خودش درباره کاری نظر درستی ندارد به دیگری مراجعه می‌کند و از او رأی صحیح می‌خواهد. بنابراین، مؤمنان بین خود شورا تشکیل می‌دهند و در کارهای خود با یکدیگر مشورت می‌کنند. آنان اهل رشد هستند و عملکردشان کاری است که باید انجام دهند. آنان در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت می‌کنند و برای همین به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۶۳/۱۸). از این رو، یکی از مشخصه‌های مهم و اساسی یک حکومت مردمی، مشورت و رأی‌گیری در امور است.

در این مورد روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که به امام علی علیه السلام فرمود: «یا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! لَكَ وِلَاةٌ وَأُمَّتِي فَإِنَّ وَلَوْكَ فِي عَافِيَةٍ وَرَجَعُوا عَلَيْكَ بِالرِّضَا فَقُمْ بِأَمْرِهِمْ، وَإِنْ اخْتَلَفُوا عَلَيْكَ فَدَعُهُمْ وَمَا هُمْ فِيهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سَيَجْعَلُ لَكَ مَخْرَجًا؛ ای علی، ولایت امت‌م بر عهده توست. اگر مردم با رضایت و در عافیت به تو رجوع کردند، پس امر آنان را اقامه کن و اگر در مسئله ولایت تو اختلاف کردند، آنان را در آنچه که هستند، رها کن.» (ابن طاووس، ۱۴۲۰، ص ۵۰۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱، ص ۱۹۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ۷۸/۱۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حکومت بر مردم را مشروط بر رضایت مردم و پذیرش آنها می‌داند؛ اگرچه حاکم به حق باشد، ولی عدم مقبولیت، موجب عدم پیروی مردم از حاکم و اختلال در امر حکومت می‌شود. بنابراین، مردمی بودن حکومت از رضایت مردم نشأت می‌گیرد و رضایت مردم در تعیین حاکم، نقطه اساسی است. همین مردمی که روزی پشت به امیرالمؤمنین علیه السلام کردند و

حضرت نیز کار آنان را به خودشان واگذار کرد، روزی دیگر رو به ایشان کردند و از او حکومت علوی را طلب کردند. در اینجا نیز حضرت نقش مردم در تعیین سرنوشت جامعه را مهم دانست و پذیرش حاکم از سوی مردم را مهم شمرد و فرمود: «قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ عَنْ مَلَأِ وَإِذْنِ إِنْ هَذَا أَمْرُكُمْ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِ حَقٌّ إِلَّا مَنْ أَمَرْتُمْ وَ قَدْ افْتَرَقْنَا بِالْأُمْسِ عَلَى أَمْرٍ وَ كُنْتُ كَارِهًا لِأَمْرِكُمْ فَأَبَيْتُمْ إِلَّا أَنْ أَكُونَ عَلَيْكُمْ؛ ای مردم! این حکومت امر شماست. هیچ کس جز کسی که شما او را حاکم خود کنید حق امارت بر شما را ندارد. ما دیروز هنگامی از هم جدا شدیم که من قبول ولایت را خوش نداشتیم، ولی شما جز به حکومت من رضایت ندادید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸/۳۲). بنابراین، مردم سالاری یعنی، مردمی بودن حکومت و رضایت مردم از حاکم تعیین شده، از شرایط مهم حکومت بر مردم است. لازم است مردم خودشان حاکم را انتخاب کنند و در سایه رضایت نسبت به حکومت اطاعت پذیری داشته باشند.

پنجم) ایجاد رفاه عمومی و مستندات قرآنی آن

از دیگر شاخصه های تمدن اسلامی ایجاد رفاه عمومی است. در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام ایجاد رفاه عمومی برای همه مسلمانان به صورت عادلانه تعریف شده است. به گونه ای که ایشان به مسئولان کشورهای اسلامی توصیه کرده اند که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی، مردم باید بیشتر تلاش و کوشش کنند؛ زیرا ایجاد رفاه عمومی از لوازم شکل گیری تمدن هاست. (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲) اگر امروز نظام جمهوری اسلامی در برابر نظام های مختلف دنیا سخنی برای گفتن دارد از آن جهت است که شاخص عمده آن ایمان و امنیت روحی است. ایمان به خدا و انبیا فقط برای تعالی معنوی نیست اگرچه بیشترین ثمره آن تعالی معنوی و تکامل انسانی و اخلاقی است؛ زیرا دنیا مزرعه ای برای آخرت است و از حرکت و تلاش در زندگی دنیاست که انسان پله های درجات رفیع و معارج را طی می کند. بنابراین، زندگی در دنیا هم در گرو ایمان به خداست. ایمان به خدای متعال سبب می شود که در زندگی مادی و دنیایی خود بتواند همه آن چیزهایی را که انسان به آن احتیاج دارد، به دست آورد (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۱/۱). در این

مورد قرآن می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده: ۶۶).

اگر تعالیم اسلامی در جامعه عملی شود انسان‌ها از نظر رفاه به جایی می‌رسند که هیچ احتیاجی از لحاظ آسایش معنوی و روانی و احساس امنیت و آرامش برای آنها باقی نماند که برآورده نشده باشد. در آیه‌ای دیگر رسیدن به رفاه را ایمان و تقوای اجتماعی بیان کرده و می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم» (اعراف: ۹۶). بنابراین، ایجاد رفاه عمومی و نزول برکات الهی در گرو ایمان و تقوای الهی است. مسئله رفاه سراسر زندگی افراد را از هر نگاه تحت تأثیر قرار داده است، اما بیشتر در بعد اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد. تعالیم اسلامی نیز به این مهم توجه داشته و انسان را از بردگی و اسارت هستی‌سوز رهایی بخشیده و قوانین جامعه را به سویی برده که افراد از یکدیگر بی‌نیاز شوند تا در سایه آن افراد به اهداف بلند، تکامل، رشد و صعود بیانندیشند و در آن راه گام بردارند. رفاه اقتصادی برای عموم مردم با اجرای اصل عدالت اجتماعی و ایجاد قسط قرآنی امکان‌پذیر است؛ زیرا رفاه و بی‌نیازی در پی برقراری عدل در جامعه فراهم می‌شود. امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَشْتَعُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ؛ اگر عدالت بین مردم برقرار شود، بی‌نیاز می‌شوند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳/۵۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۸۰). براین اساس، در صورتی بی‌نیازی و رفاه اقتصادی در جامعه تحقق می‌یابد که میان مردم عدالت حکم فرما باشد. عدالت اجتماعی و ایجاد رفاه از اصول حکومت اهل بیت علیهم السلام بوده است. در زمان ظهور امام زمان (عج) نیز با اجرای این اصل نیازها برآورده می‌شود و رفاه اقتصادی و آسایش در تمام ابعاد زندگی بشر جاری می‌شود.

به عقیده مقام معظم رهبری علیه السلام روش اقتصادی اسلام ویژه و خاص است و فقط در اسلام وجود داشته است. براین اساس ضروری است که سیاست کلی و همه‌گیر اقتصاد، ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین فرد فرد افراد جامعه باشد. ایشان در بررسی سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی درباره رفاه عمومی فرمود: «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخصه‌های کلان از قبل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری و رفاه عمومی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). رفاه عمومی یکی از شاخصه‌های تمدن اسلامی است. اگرچه رفاه در پی عوامل مختلفی از جمله عدالت به دست می‌آید و در این مجال اندکی به عدالت پرداخته شد، ولی به دلیل اهمیت مسئله عدالت و شاخصه بودن آن به صورت مستقل به این مفهوم پرداخته می‌شود.

ششم) استقرار عدالت و مستندات قرآنی آن

عدل یکی از اصول دین و یکی دیگر از شاخصه‌های تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر کرده و می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط» (نساء: ۱۳۵)؛ یعنی به دلیل اینکه استقرار عدالت راه پیامبران بوده و استقرار عدالت (نفی تبعیض و نفی فاصله‌های طبقاتی) جزو آرمان‌هایی است که بدون اقامه قسط و عدل امکان‌پذیر نیست، قرآن هدف اصلی پیامبران را همین مسئله می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). عدالت یکی از بهترین آرمان و ارزشمندترین چیزی است که دنبالش باشیم و این جزء سخت‌ترین کارها بوده که با الفاظ نمی‌شود آن را درست کرد (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۳/۷). روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا در تاریخ یکی از عوامل اصلی انقراض تمدن‌ها ظلم بوده که نقطه مقابل عدالت است. علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و قدرت بدون عدالت موجب انقراض و انحطاط تمدن‌ها می‌شود. عدالت از اهداف اساسی بعثت پیامبران بوده و در دین اسلام نیز اجرای عدالت در جامعه بشری هدف اصلی است. از این رو در آیات و روایات، اجرای عدالت به صورت اصل بنیادین مطرح شده است. از این رو در دین اسلام تمام عنوان‌های مهم و حساس به افراد عادل واگذار شده است و عدالت در آنها شرط اساسی شمرده می‌شود.

عدالت اجتماعی، نقطه عطف آن ایجاد نوعی برابری است که با تحقق آن، آسایش و آرامش در یک جامعه برقرار می‌شود. در این مورد رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «عدالت اجتماعی یکی از

مهمترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام علیه السلام است و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت مورد نظر و هدف باشد؛ زیرا مهمترین و کلیدی‌ترین شاخص عدالت اجتماعی است؛ یعنی رونق کشور در گرو تأمین عدالت اجتماعی مورد پذیرش و قابل قبول است (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). بنابراین، اسلام برای حفظ عدالت اجتماعی مقاومت در برابر هر نوع ظلم و ستم بر مسلمین را واجب کرده است؛ زیرا ستم و تجاوز امنیت عمومی را تحدید می‌کند. قرآن در این باره فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» و کسانی که هر گاه ستمی به آنها رسد (تسلیم ظلم نمی‌شوند و) یاری می‌طلبند» (شورا: ۳۹). با توجه به این آیه ظلم بر هیچ فردی روا دانسته نشده است و چنانچه کسی تن به چنین بی‌عدالتی بدهد و بر کسی ظلم کند آیه به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «در مقابل چنین کسی نباید آرام گرفت بلکه به یاری هم برخاسته و ریشه ظلم را بخشکانیم». آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «فوری‌ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط و عدل اسلامی بوده که آمدن پیامبران، نزول کتاب و میزان الهی برای برپایی عدالت اجتماعی بوده تا مردم از فشار ظلم و تبعیض نجات یافته و در سایه قسط و عدل زندگی کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲، ۴/۲۵۴).

هفتم) اقتصاد سالم و مستندات قرآنی آن

اقتصاد سالم یعنی، اقتصادی که قائم به ذات و بی‌عیب باشد. بنابراین، جامعه باید پایه‌های اقتصادی سالم داشته باشد. اقتصاد سالم در جامعه مثل یک دستگاه قلب در وجود انسان است که اگر این دستگاه خراب شود انسان مریض می‌شود. اگر اقتصاد سالم در جامعه نباشد، توسعه و رشد دچار مخاطره می‌شود و در نهایت هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم، محقق نمی‌شود. مقام معظم رهبری به اقتصاد سالم در تمدن اسلامی توجه زیادی دارند و از اقتصادی که در آن رباخواری و تکاثر باشد، نهی می‌کند؛ زیرا به رشد اقتصادی ضربه می‌زند. رهبر معظم انقلاب اعتقاد به دو پایه برای اقتصاد سالم و اسلامی دارد. افزایش ثروت ملی، توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۱۳) با استفاده از آیات حفظ تعادل و موازنه در امر اقتصاد از

پایه‌های اقتصاد سالم است. توزیع عادلانه در همه زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف خطوط کلی اقتصاد اسلامی را در جامعه مشخص می‌کند (قوی دست، ۱۳۹۳).

قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَاَرْزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»؛ و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید. آن چنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند، ولی او شما را پناه داد و با یاری خود تقویت کرد و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساخت. شاید شکر نعمتش را به جا آورید» (انفال: ۲۶). با توجه به سیاق آیه منظور از «آن روزی که مسلمین در زمین مستضعف بودند» روزگار ابتدای اسلام و قبل از هجرت بوده که مسلمین در مکه (در میان کفار) محصور بودند و منظور از نصرت و تأیید در عبارت: «و ایدکم بنصره» نصرتی است که خداوند در جنگ بدر از مسلمین کرد و مقصود از رزق طیب غنیمت‌های جنگی است که خداوند به ایشان روزی کرد و آن را برای آنها حلال گرداند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۵۳/۹). همچنین در آیه ۶۰ سوره انفال در این مورد آمده است: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَّ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)» («اعدوا» به معنای تهیه کردن چیزی است که با آن چیز به هدف خود می‌رسد و اگر آن را تهیه نکند به مطلوب خود نمی‌رسد و کلمه قوه به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌شود و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است مانند انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی و اینکه فرمود: «وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَّ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» امر عامی به مؤمنین است که در قبال کفار به قدر توانایی‌شان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۱۴/۹).

همچنین در آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه به رشد و توسعه اقتصادی جامعه اشاره داشته و می‌فرماید: «اِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَّ الْمَسَاكِينِ وَّ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَّ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَّ فِي الرِّقَابِ وَّ

الْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ زکات‌ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع‌آوری) آن زحمت می‌کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می‌شود و برای (آزادی) بردگان و (ادای دین) بدهکاران و در راه (تقویت آیین) خدا و واماندگان در راه. این، يك فريضة (مهم) الهی است و خداوند دانا و حکیم است. در آیه ذیل بیان می‌شود که اسلام برای خلق و ایجاد یک سیستم اقتصادی درست که در آن سلامت اقتصادی، رشد و توسعه اقتصادی مدنظر باشد از طریق مسئله زکات به آن پرداخته است. زکات باعث می‌شود برخلاف نظام‌های دیگر که در آنها سرمایه‌دار ثروتمندتر شده و فقیر، فقیرتر و در نهایت زیر خط فقر قرار می‌گیرند، چرخه اقتصادی اسلام کنترل شود و از عدم تعادل اقتصادی زندگی مسلمانان جلوگیری شود. در این خصوص امام صادق علیه السلام تلاش در راه تأمین نیازهای ضروری زندگی را همچون جهاد در راه خدا می‌داند (ابن بابویه، محمد، ۱۴۱۳، ۱۶۸/۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۸۲).

توزیع عادلانه در امر اقتصاد از اساسی‌ترین اهداف اقتصاد اسلامی است. در جهان بینی اسلامی خداوند، حق تعیین سهم از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه را دارد؛ زیرا خداوند مالک همه چیز است. انسان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین است و اموال و درآمدها نزد وی امانت نهاده شده است. از این رو به عقیده مقام معظم رهبری علیه السلام فرصت‌های برابر و توزیع مناسب درآمد دو عنصر کلیدی عدالت و پیشرفت در جامعه است. (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۳/۷). بنابراین، عدالت همه جانبه در توزیع عادلانه، یک امر حیاتی در تعالی اقتصاد است و با تحقق این مهم، همه از رفاه نسبی برخوردار می‌شوند. در آموزه‌های اسلامی اگرچه مسئولیت اصلی توزیع ثروت بر عهده دولت‌هاست، ولی ثروتمندان نیز وظیفه دارند به پرداختن حقوق فقرا، مستمندان و دولت اسلامی که به صورت امانت الهی و به عنوان صدقات واجبه و خمس که در مال آنان وجود دارد در توزیع ثروت برای رفع مشکلات اقتصادی سهیم شوند. (دریساوی و فقیهی، ۱۳۹۳، ص ۶۳) خداوند در قرآن فرموده است: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ»؛ یعنی آنچه خدا از دارایی ساکنان قریه‌ها عاید پیامبرانش گردانید از آن

پیامبر او و متعلق به خویشاوندان نزدیک وی و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان بوده تا میان توانگران شما دست به دست نگردد» (حشر: ۷). قرآن اقتصاد را عامل قوام و دوام امور فردی و اجتماعی می‌داند که با توجه به آن اهداف، توزیع ثروت را هم می‌توان یکی از موارد اساسی در ایجاد امنیت سیاسی-اقتصادی و رسیدن به عدالت اجتماعی دانست. بدین‌سان مشکلات اقتصادی بشر ناشی از کمبود مواد اولیه یا بخل طبیعت نیست بلکه به علت توزیع ناعادلانه و بهره‌وری نادرست از امکانات موجود است (رستم‌نژاد، بی تا، ۱۳۵/۲).

۴. عوامل توسعه و رشد اقتصادی از نگاه قرآن

توسعه و رشد اقتصادی از دیدگاه اسلام جریانی است که در آن با بهره‌گیری از اندیشه‌های جامع‌نگر و عقلانی برآمده از حقایق هستی، فنون و روش‌های علمی پیشرفته از منابع انسانی و مادی جامعه در راستای تأمین رفاه بشری و دستیابی به کمال شایسته مقام انسان استفاده بهینه صورت گیرد. (خلیلیان، ۱۳۸۴، ص ۶) از آنجاکه هیچ معلولی بدون علت نیست، رشد اقتصادی نیز در یک جامعه به خودی خود به وجود نیامده و عوامل زیادی دست به دست هم داده تا به این سطح از رفاه دست یافته است. قرآن عواملی را در جهت توسعه و رشد اقتصادی بیان کرده که می‌توان به دو دسته معنوی و مادی تقسیم کرد.

۴-۱. عوامل معنوی رشد اقتصادی

۴-۱-۱. تقوا

یکی از عوامل رشد اقتصادی تقوا و ایمان به خداست. اگر تقوا در جامعه اعمال نشود در رحمت خداوند بسته خواهد شد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف: ۹۶). در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» استعاره به کنایه به کار رفته؛ زیرا برکات را به مجرای تشبیه کرده که

نعمت‌های الهی از آن مجرا بر مردم جریان می‌یابد. باران و برف در زمان مناسب و به مقداری که برای مردم مفید است، می‌بارد. در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان شده و زمینه رشد اقتصادی فراهم می‌شود. البته این رخداد زمانی است که مردم به خداوند ایمان آورده و تقوا پیشه کنند وگرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۰۱/۸). در ادامه علت بسته شدن درهای اقتصاد و نعمت‌های الهی این چنین بیان شده است: «آنها پیامبران را تکذیب کردند و ما آنها را به کیفر معصیت‌ها و مخالفت‌ها و تکذیب پیامبران گرفتار و باران را از آنها منع کردیم و نعمت‌های زمین را از آنها دریغ داشتیم» (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶۹۸/۴). ایمان و تقوا نه تنها سبب نزول برکات الهی می‌شود و بر اقتصاد جامعه اثر می‌گذارد بلکه باعث می‌شود آنچه در اختیار انسان قرار گرفته در مصارف مورد نیاز به کار گرفته شود.

۴-۱-۲. انفاق

از جمله اعمال نیکی که برای خشنودی پروردگار انجام می‌شود، انفاق مال است. انفاق علاوه بر اینکه از خطرهای اجتماعی و روانی جلوگیری می‌کند باعث بهره‌مندی از نعمت‌های جاودان خداوند متعال می‌شود. از نظر قرآن کریم، انفاق یکی از عوامل رشد اقتصادی مطلوب است: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۶۱)؛ یعنی مثل آنان که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند مانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد چند برابر می‌کند و خدا بسیار عطاکننده و داناست. این مثل در امثال ذرت و آفتابگردان و نظیر آنها وقوع خارجی دارد که یک دانه مبدل به هفتصد دانه بلکه بیشتر می‌شود در سنبل گندم تا هشتاد دانه شمرده شده است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ۱۴۷/۲). امام صادق (ع) درباره فراز: «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» می‌فرماید: «هرگاه مؤمنی احسانی کند خدای مهربان ثواب هر حسنه‌ای را که انجام می‌دهد هفتصد برابر قرار خواهد داد» (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱۴۶/۱). چنین است که انفاق و احسان در رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

۴-۲. عوامل مادی توسعه اقتصادی

۴-۲-۱. تشویق به تولید

قرآن کریم پی درپی آمدن شب و روز را ایجاد زمینه برای حرکت و تولید به حساب می‌آورد. عبارت: «لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ» (ر.ک.، اسراء: ۶۶؛ روم: ۴۶؛ فاطر: ۱۲؛ جاثیه: ۱۲) در آیات مختلفی تکرار شده و بیانگر این است که حرکت و تولید باعث رشد اقتصادی خواهد شد. قرآن می‌فرماید: «وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ یکی از رحمت‌های خداوند آن است که شب و روز را برایتان قرار داد تا آرامش یابید و از فضل او بهره‌گیرید، باشد که شکرگزار شوید. آرامش شب مقدمه تلاش روز است» (قصص: ۷۳). «تَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا» خداوند بخشنده است، ولی انسان باید کار و تلاش کند؛ زیرا شب برای آسایش و روز برای کار و فعالیت است و در روز هر آنچه به دست می‌آید از فضل خداوند است. لازم است نعمت‌های مادی مقدمه شکر و کسب مراتب معنوی باشد. بدین سان اگر دنیا وسیله رشد، قرب و شکر به درگاه الهی باشد، منفور و مذموم نخواهد بود (قرائتی، ۱۳۸۳، ۹۰/۹). بنابراین، خداوند انسان‌ها را به امر تولید در روز و داشتنه است؛ زیرا امروزه از نظر علمی ثابت شده است که تمام دستگاه‌های بدن در برابر نور، فعال و سرزنده می‌شود.

۴-۲-۲. فراوانی منابع دنیا

برخلاف دیدگاه اقتصاددانانی که منابع اقتصادی را محدود و آینده را تیره و تاری می‌بینند، قرآن از منابع نامحدود سخن می‌گوید. در این جایگاه انسان زمانی می‌تواند به پیشرفت دست یابد که کفران نعمت نکند. قرآن می‌فرماید: «وَ آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ و از هر چیزی که از او خواستید به شما داد و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید هرگز آنها را شماره نتوانید کرد. انسان، ستمگر و ناسپاس است» (ابراهیم: ۳۴). انسان هرچه نیاز داشت از خداوند خواست و خداوند آن را در اختیار انسان قرار داد، اما اگر نعمت‌های الهی را بخواهد بشمارد هرگز نمی‌تواند شمارش کند؛ زیرا در نعمت‌های بیکران خداوند غوطه‌ور است، اما با این همه لطف و رحمت الهی باز این انسان ستمگر، کفران نعمت می‌کند.

براین اساس نعمت‌های الهی فراوان است، اما شیوه صحیح و عملکرد مناسب انسان باعث استفاده بهینه از منابع می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

مقام معظم رهبری علیه السلام در تعریف کلی شاخصه تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کرده‌اند و مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آنها سخن گفته است تمدن اسلام با محوریت قرآن است. این شاخصه چنان فراگیر است که همه فرق و مذاهب اسلامی را در درون خود جاداده و دست همه معاندین و دشمنان اسلام را کوتاه کرده است. هدف از بعثت پیامبران خدامحوری و پرهیز از طاغوت و رسیدن به تمدن ناب اسلامی بوده که البته مجاهدت و تلاش مستمر و دوام‌دار را در پی داشته است. برطرف شدن حجاب جهل و غفلت از دل‌های مردم و تثبیت حاکم و حکومت اسلامی همه شمول و مردم‌سالار برای ایجاد آسایش و امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم از دیگر شاخصه‌های اصلی تمدن اسلامی است. امروز نظام جمهوری اسلامی در برابر نظام‌های مختلف دنیا جایگاه ویژه‌ای داشته که دلیل عمده این نظام و پیشرفت آن استقرار عدالت و پیمودن راه پیامبران و نهادینه شدن تمدن و فرهنگ اسلام عزیز است که اقتصاد سالم را به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد معظم له گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته جمعی نیاز داشته که در سایه وحدت، انضباط و ایمان به خدا و استقرار عدالت به وجود می‌آید.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
۱. ابن بابویه، محمد (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۰). طرف من الأبناء و المناقب. مصحح: قیس عطار. مشهد: تاسوعا.
 ۳. ابن فهد حلی، احمد (۱۴۰۷). عده الداعی و نجاح الساعی، تصحیح احمد موحدی قمی. قم: دارالکتب الاسلامی.

۴. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵). تاریخ ابن خلدون. مترجم: گنابادی، محمد پروین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. اکبری، مرتضی، رضایی، فریدون (۱۳۹۳). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله). نشریه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، شماره ۵، ۸۵-۱۰۸.
۶. جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات معارف.
۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ولایت فقیه. قم: اسراء.
۹. حراملی، محمدبن حسن (۱۳۸۹). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه نشر السلامی.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰-۱۳۹۷). نرم افزار حدیث ولایت.
۱۱. خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۴). شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام. تهران: مؤسسه آموزش امام خمینی.
۱۲. دریسآوری، سمیه، و فقیهی، علی (۱۳۹۳). مجموعه مقالات پیشرفته از نظر قرآن و حدیث. قم: انتشارات دبیر خانه حوزوی مرکز الگویی اسلامی.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۵. رستم نژاد، مهدی (بی تا). قرآن و نظام توزیع ثروت. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
۱۶. سایت رسمی آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده شده در khamenei.ir.
۱۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلامی للمطبوعات.
۱۸. طبرسی، فضل (۱۳۷۲). مجمع البیان فی التفسیر القرآن. تصحیح: رسولی، هاشم. تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طوسی، محمد (۱۴۱۴). امالی. قم: دارالثقافه.
۲۰. عمید، حسین (۱۳۶۳). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۲۱. عباشی، محمد (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعه العلمیه.
۲۲. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۱). نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (اللفیض). تصحیح: انصاری قمی، مهدی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. قوی دست، بتول، و سازندگی، مهدی (۱۳۹۳). راه کارهای آموزه‌های اسلامی در جهت رشد و توسعه اقتصاد سالم، نشریه *Pure Life*، شماره ۱، ۴۹-۷۵.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تصحیح: غفاری، علی اکبر، و آخوندی، محمد. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۶. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: انتشارات فرهنگ نما، کتاب آزاد.
۲۷. مفید، محمد (۱۴۱۳). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره).
۲۸. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸). تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۹. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).